

## تأثیر دین بر گسترش معماری در ایران و جهان

مهدی زندیه \*

### چکیده

اسناد و مدارک موجود، نقشه‌های تصویر شده بر بدنه غارها و نحوه ساخت خانه‌های اولیه گویای آن است که رابطه مستقیمی بین اعتقادات انسان‌های اولیه، نحوه زندگی و محل اسکان بشر و شکل و فرم معماری خانه‌ها وجود داشته است. با این فرض با ورود اعراب به ایران و به ارمغان آوردن اسلام اثراتی نیز بر زندگی، آداب و رسوم، مذهب، سنت‌ها و فرهنگ و همچنین بر معماری و به ویژه ساخت بناهای مذهبی ایران مشاهده می‌شود.

به طور کل تأثیر ادیان مختلف بر فرهنگ و زندگی مردم و به ویژه در معماری آن سرزمین تأثیرگذار بوده است. هویت بخشیدن و تغییرات شکلی و فرمی کنیسه‌ها، کلیساها، معابد بودایی و مساجد متأثر از این گونه‌اند. گذشته از اثرات اقلیمی و منطقه‌ای و سنت‌های شکل‌گیری و فرم ابنیه و ساختمان‌ها و تغییرات حاصل شده در معماری مناطق مختلف نتیجه تأثیرپذیری از ادیان مختلف در سرزمین‌های گوناگون است.

این مقاله سعی دارد با بررسی این مسئله به روش کتابخانه‌ای و استفاده از اسناد و همچنین تصاویر مرتبط با این اماکن این مطلب را به چالش بکشد و امیدوار است در پایان بتواند با بررسی کردن و آوردن نمونه‌های مختلف به نتیجه‌گیری برسد و تأثیر ادیان مختلف بر معماری آن سرزمین را بیان کند.

**کلیدواژه‌ها:** دین، معماری، گسترش، ادیان، ایران.

\* دانشیار معماری منظر - دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). [zandieh@arc.ikiu.ac.ir](mailto:zandieh@arc.ikiu.ac.ir)

[Mahdi\\_zandieh@yahoo.com](mailto:Mahdi_zandieh@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۸



## ۱. مقدمه

آثار به جای مانده بر غارها و اماکن موجود از زندگی انسان اولیه، بیانگر آن است که از همان ابتدا ارتباط روحی و روانی بین انسان و خدایانش وجود داشته است و این امر در شکل‌گیری فضای زندگی اولیه نیز بی‌تأثیر نبوده است. بطوری که نقشهای موجود بر دیواره‌های این فضاها نشان‌دهنده‌ی این ارتباط و پیوند معنوی و روحانی بوده است. نقش خورشید و ماه، حیوانات عظیم الجثه و بعضاً "درختان و دیگر عناصر تأثیرگذار در طبیعت و زندگی ایشان گویای این ارتباط و اقتباس از آیین‌ها، اسطوره‌ها و اعتقادات زمان خود بوده است.

با نگاهی به شکل و فرم هسته‌های اولیه شکل‌گیری اسکان بشر در شروع یکجانشینی توجه به ایده گرفتن از شکل خدایان در روز و شب را تداعی می‌نماید. از این رو اعتقادات، باورها و دین، در زندگی اولیه نیز نقش خود را بر زندگی و ساخت فضاهای اولیه داشته است شکل‌گیری فضاها و یکجانشینی اولیه بصورت گرد و دایره‌ای علاوه بر برخورداری از امنیت و قدرت بالای دفاع، تأثیرپذیری از این عناصر و الگوها نیز بوده است. امروزه نقش برجسته و تصاویر موجود در دیوارهای به جای مانده از غارهای قدیمی به رابطه بین انسان و الگوها و اسوه‌های ایشان اشاره دارد. کما اینکه روح هنر در هر زمان منبعث از ارتباط عاطفی و روحانی با دیدگاهها و اعتقادات خالق آن داشته و همواره تبلور این رابطه معنوی و تراوش الگوگیری از آرمانهای اعتقادی ایشان نیز می‌باشد.

اگرچه با رشد جمعیت و گسترش شهرها، رفته رفته شکل‌گیری ساختمانها و فرم شهرها میزان ارتباط بین اعتقادات و دین و معماری محیط را کم نموده است ولی تأثیر سنت، فرهنگ و آداب و رسوم شهروندان در شهرهای مختلف در کنار مسایل و عوامل اقلیمی محیطی شکل‌گیری و تأثیرپذیری اماکن و به ویژه ساختمانهای مذهبی را نشان می‌دهد. طبعاً هدف از هنر و معماری، فرم، عملکرد و زیبایی است که جایگاهی دلنشین و مورد قبول را برای بهره‌بردار و شهروند خلق می‌نماید. از طرف دیگر دین نیز به هدفی چون تکامل و اعتلای انسان و ایجاد رابطه روحانی و معنوی می‌اندیشد. از این رو محیط و فضای شهرها با وجود ادیان و اعتقادات مختلف، غیر از عوامل و عناصر اقلیمی و محیطی، شکل و فرم ساختمانهای خود را از تفکر دینی و اعتقادات مذهبی و سنتی آن قوم به عاریت گرفته و همواره در جای جای شهر آثار تأثیرپذیری معماری از دین مشاهده می‌شود. طبیعتاً وقتی هنر و معماری در راستای اهداف دین و کمال حرکت نماید جاودانه و ماندنی باقی خواهد ماند.

تأثیر دین بر گسترش معماری در ایران و جهان ۱۸۹

دین، از جهت ماهیت درونی و باطنی، حقیقتی آرمانی و متعالی است که ذاتاً مطلوب بشر است و هر انسانی، بالطبع در آرزوی دستیابی به آن است. این حقیقت که - به «کمال مطلق» تعبیر شده است- بر تمام زندگی انسانی که در جستجوی کمال است، تأثیر می‌گذارد و او را در یک نظام عقیدتی و رفتاری که مجموعه‌ای از هست‌ها و نیست‌ها و باید‌ها و نبایدها و بهترین ابزار و راه برای دست یافتن به آن کمال مطلق است، قرار می‌دهد. (کوثری، مسعود، ۱۳۹۰)

تاریخ به ما نشان داده است که ماندگارترین آثار و جلوه‌های هنرنمایی انسان و غنی‌ترین نشانه‌ها و نمادهای زیباشناختی، در دوره‌هایی حاصل آمده است که حس دینی و تجربه‌ی امر قدسی (رابطه با ماورای طبیعت)، فضای غالب بر جامعه بوده است. (عنصری، جابر، ۱۳۸۳)



تصویر شماره ۱: نقش برجسته ماه و ستاره



تصویر شماره ۲: نقاشی سوارکار بر دیوار غارها

## ۲. اهمیت موضوع

از دیرباز طرح مسئله رابطه بین دین و هنر و از جمله معماری مطرح بوده و در این رابطه کتابها، مقالات و رساله‌های بسیاری نوشته شده است. از طرفی تأثیرپذیری هنر و بدنبال آن معماری از دین نیز مد نظر نویسندگان و محققین بوده و همواره بدنبال آن بوده اند که دریابند هنر متعالی و روبه کمال از چه جهت با دیگر تخصصها و گونه‌های مختلف تفاوت دارد. پرداختن به موضوع دین و اعتقادات و ادیان الهی و هنر متأثر از آن به گونه‌ای است که وجود رابطه معنوی و روحانی را در جهت دهی و شکل‌گیری هنر و متعاقب آن معماری را غنی بخشیده و تجلی الهی را در آن متبلور می‌سازد.

از هنگامی که انسان خالق خویش را شناخت برای قرب به او به عبادت پرداخت. بیان مکنونات قلبی خویش و به عبارتی تجلی شکلی بخشیدن به عقاید و آرمان‌های خویش در قالب کلام، شکل، حرکات و فضا را به منصف ظهور رساند. و باز انسان برای مرتفع نمودن نیازهای خویش به تغییر شکل ماده و آماده نمودن آن برای استفاده خود در جهت رسیدن به کمال (یا یکی از نیازهای اصلیش) دست زد. از این زمان هاست که می‌توان از ظهور اولین بارقه‌های هنر و به ویژه هنر دینی سخن گفت. در واقع انسان که حقیقت را باطن عالم خارج می‌داند که در وراء محسوسات او قرار دارد، برای معرفی این حقیقت دست به آثاری می‌زند که چیزی جز هنر نیستند (نقی زاده، محمد، ۱۳۸۸)

معماری از جمله هنرهایی است که با توجه به روحيات، نیازها و عوامل و عناصر محیطی به خلق فضا و برآوردن نیازهای انسان در قالب شکل و فرم ابنیه و ساختمان می‌پردازد. پرداختن به این هنر با توجه به نیازهای روحی و عاطفی انسان و درک شرایط و موقعیتهای آن در زمانهای مختلف، به ایشان کمک می‌نماید تا همواره به نیازهای مادی و معنوی انسان توجه ویژه داشته و غیر از نیازهای بشر در کنار شرایط اجتماعی و موارد محیطی و اقلیمی به علاقه و دل‌بستگیهای اعتقادی آن نیز توجه خاص داشته باشد. در اینجاست که نقش دین در شکل‌گیری و طراحی معماری مشخص می‌شود و غیر از کاربریهای مختلف مورد نیاز انسان، اعتقادات دینی آن نیز به کمک طراحی آمده و فضاهاى مختلفی همچون مسجد، کلیسا، کنیسه و معبد را طراحی و خلق می‌نماید.

تأثیر دین بر گسترش معماری در ایران و جهان ۱۹۱

دکتر غلامرضا اعوانی، معتقد است که فهم های ظاهری و سطحی از دین در بعضی از جوامع، موجب شده است تا برخی ادیان، هنر را کنار بگذارند. (۱۵) - (شهیدانی، شهاب، ۱۳۹۲)

### ۳. تأثیر اعتقادات قبل از اسلام بر شکل و فرم معماری

قدیمی ترین اعتقاد بشر، باور به وجود خالقی برای جهان است که با تدبیر و علم خویش ضمن خلق جهان هستی نظمی دقیق و متقن را برای ادامه حیات در آن قرار داده است. اعتقاد به خالق یکتا اولین اصل کلیه ادیان الهی است و همه پیامبران الهی مبلغ آن بوده اند. مجموعه معارفی که پیامبران الهی برای تعیین روش زندگی بشر به او ابلاغ نموده اند همان دین است که به حکم عقل بایستی متضمن سعادت دنیوی و اخروی بشر باشد. به بیان علامه بزرگوار طباطبایی (ره) حقیقت دین عبارت است از تعدیل اجتماع انسانی در مسیر حیاتی آن و به تبع، تعدیل حیاتی یک فرد انسان را هم دربردارد و دین اجتماع انسانی را در راه فطرت و آفرینش وارد ساخته و به آن موهبت حریت و سعادت فطری را چنان چه مقتضی عدل است می بخشد. (نقی زاده، محمد، ۱۳۸۸)



تصویر شماره ۳: معبد آدرین - باکو



تصویر شماره ۴: معبد هندو - بندر

#### ۴. تأثیر ادیان مختلف بر معماری بناهای مذهبی در جهان

در دنیای ما به دلیل تکثر در شیوه بیان و سلايق مختلف در تمامی ادیان الهی و غیر الهی، لزوم دستیابی به زبان مشترک، با رویکرد ارتباط بین اقوام، احساس می‌گردد. واکاوی این مشترکات، بر همگرایی مذهبی- قومی این ادیان موثر خواهد بود و هنر، مستمسکی مناسب برای ایجاد این زبان مشترک است. از آنجا که هنر و معماری تاثیر پذیری بالایی از ادیان را داشته‌اند و نیز ساختار کالبدی بناهای نیایشی بسیار متأثر از نوع آیین عبادی است که در آن‌ها برگزار می‌گردد، بنابراین تنوع ادیان به تنوع معماری بناهای مقدس، و سبک‌های گوناگون معماری-مذهبی منتهی می‌گردیده است. و همچنین وجود عناصر مشابه در معماری ادیان مختلف می‌تواند گویای زبان مشترک در هنر مقدس برای احتراز از تکثر سلايق، در نتیجه نیل به ایجاد زبان‌های هنری و معماری گوناگون باشد که همگی با هم اشتراکاتی را دارا هستند.

در حدود سال ۱۸۹۰ فرهنگ سنتی هنر سرعت وارد بحران می‌شود. دیگر کوشش برای حفظ تجربیات مختلف معماری در قالب مکتب تاریخ‌گرایی (Historicism) بی‌اثر شده و این تقلا بتدریج تأثیر خود را از دست می‌دهد، در حالی که از جانب دیگرانگیزه‌ای تازه برای تجدید حیات معماری مثل پیشرفتهای ساختمانی از لحاظ تکنیکی و جنبش هنرها و صنایع دستساز از احاطه فرهنگی آنچنان پیشرفته است که می‌تواند معماری را از هر جهت در برگیرد و امکانات تازه و مناسبی در مقابل سبکهای تاریخی عرضه کند. این تحولات درست در دهه آخر قرن نوزدهم تحقق پیدا می‌کند و

تأثیر دین بر گسترش معماری در ایران و جهان ۱۹۳

برای نخستین بار بعد از سالیان دراز فرهنگ معماری را به صورت تقسیمات مجزا بلکه در مجموع عناصر آن به حرکت در می آورد. (باور، سیروس، ۱۳۵۳، ص ۴۰۷)

با نگاهی اجمالی به ادیان مختلف در جهان و معماری متأثر از این ادیان به سهولت دیده می شود در هر برهه از زمان دین و اعتقادات مختلف در کشورها و سرزمینهای گوناگون همزمان با ادیان مختلف دستخوش تغییراتی در معماری این سرزمینها بوده است. تأثیر پذیری معماری از ادیان در کشورها در کنار شرایط اقلیمی و محیطی شکل و فرم و کالبدی به ارمغان آورده است که محصول آن در ساخت ساختمانهای مختلف تجلی پیدا کرده است. ساخت کلیساها از قرون وسطی تا کنون، معابد و اماکن بودایی در کشورهای مختلف و آتشکده ها و ابنیه زرتشتی نیز بیانگر این اثربخشی و تأثیر از ادیان و اعتقادات مذهبی است.



تصویر شماره ۵ : معبد ویشنو - هندوستان



تصویر شماره ۶ : مسجد ایاصوفیا - ترکیه

## ۵. تغییرات معماری ایران پیش از اسلام

بررسی هنر ایران باستان در طی دوران‌های تاریخی از ماد تا پایان دوره ساسانیان نمایانگر پیوند عمیق میان هنر و دین زرتشتی می‌باشد، به گونه‌ای که اکثر آثار ارزشمند باقی مانده ملهم از مضامین معنوی در ارتباط با اعتقادات و باورهای دین زرتشت بوده و تصاویر و نقوش نمادین در انواع هنرها و فرم‌های معماری همه برگرفته از خصیصه‌های سستی و تمثیلی در ارتباط با دین زرتشت هستند. نقوش نمادینه‌ای که در طول زمان در فرهنگ ملی و اساطیری ایران تثبیت شده‌اند و همواره تقابل میان خیر و شر، راستی و ناراستی و تاریکی و نور را متأثر از آیین زرتشت در هنر ایران جلوه‌گر کرده‌اند. هنر ایران پیش از اسلام، نظیر هنر دوران هخامنشی، آمیزه و اختلاطی از روش‌ها و قالب‌های موجود در فرهنگ‌های بیگانه بوده است، اما به عناصر اقتباس شده بیگانه نیز صبغه‌ای زرتشتی بخشیده است. هنر ایران باستان به ویژه در دوران هخامنشی و ساسانی بر پایه خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی زرتشتی شکل گرفته است و تکرار مضامین اوستایی در زندگی مردمی که تا مدت‌های طولانی این دین را نه به صورت مکتوب بلکه شفاهی و تصویری حفظ نموده‌اند، سبب گردید تا هنر نوعی وسیله برای تبلیغ، نشر و انتقال این آیین باشد. این پژوهش ضمن بررسی شخصیت زرتشت و تعالیم و شرایط دین زرتشتی به تفاوت این دین با ادیان میترایی، بودایی و مسیحی نیز می‌پردازد. گفته‌ها و آموزه‌های آیین زرتشت همواره منبع الهام هنرمندان و جزء لاینفک هنر ایران باستان محسوب می‌شود و از این تعالیم می‌توان به عنوان ماهیت هنر پیش از اسلام یاد نمود. (برازنده حسینی، مهتاب، ۱۳۸۸)

بررسی اسناد و مدارک موجود و آثار معماری به جای مانده از دوران پیش از اسلام مشاهده می‌شود که ساخت اغلب بناهای موجود در ایران، متأثر از اعتقادات و ایده‌های پیشینیان و زندگی در آن دوران می‌باشد. آثار معماری ساخته شده در دوران باستان و دوره‌های پس از آن از جمله دوره هخامنشی با ساختمانهای عظیم و کاخهای باشکوه و همچنین دوران پس از آن همچون ساسانیان نیز بیانگر این ادعاست. چگونگی طراحی و ساخت ساختمانهای کاخهای هخامنشی در کنار دین زرتشت نشانگر تأثیر از اعتقادات در ساخت این بناهای باشکوه می‌باشد.



تأثیر دین بر گسترش معماری در ایران و جهان ۱۹۵

فرم و شکل بسیاری از ابنیه و ساختمانهای ساخته شده در این دوران همزمان با اعتقادات دینی شهروندان همراه بوده است. بطوری که آتشکده های زرتشتی در شهرهای مختلف بیانگر توجه شاهان و زمامداران آن دوران به امور اعتقادی مردم نیز بوده و تأثیری که بر شکل گیری معماری شهرها داشته است مؤید این موضوع است.



تصویر شماره ۷: تخت جمشید - پرسپولیس - شیراز



تصویر شماره ۸: آتشکده نیاسر - کاشان

البته بسیاری از مطالب مربوط به دین ایرانی در زمان پارتیان بر ما مجهول است. سلسله پارت که در نواحی خارجی ایران - مسکن عناصر بدوی ایرانی - نشأت یافته بود می‌بایست معتقدات ابتدایی پرستش عناصر طبیعی و به نظر می‌رسد در مرحله اول پرستش خورشید و ماه را با خود همراه آورده باشد. ما نمی‌دانیم تا چه حد پارتیان دینی را که در خود ایران متداول بود، پذیرفتند و یا آنچه می‌دانیم مهم نیست. تحقیقات جاری در باب سنن دینی و عملیات باستان‌شناسی می‌رساند آیین زرتشت که بعضی دانشمندان آن را آیین ایران عهد پارت می‌دانند اهمیتی چندان نداشته است. پارتیان مانند هخامنشیان زرتشتی نبودند. (گیرشمن، رومن - ترجمه معین، محمد، ۱۳۹۰، ص ۳۰۳)

### ۶. چگونگی ورود اسلام به ایران

دین اسلام در عهد پیامبر (ص) در سراسر جزیره‌العرب اشاعه یافت. با فراگیر شدن آیین اسلام در این منطقه و پذیرش آن از سوی عرب‌ها، مسلمانان درصدد نشر اصول اعتقادی خود در میان جهانیان و گسترش قلمرو اسلام برآمدند. البته این عمل از زمان خود رسول‌الله (ص) با اعزام گروه‌های تبلیغاتی به سراسر دنیا آغاز شده بود. ایران و شام، که از نزدیک‌ترین کشورها به جزیره‌العرب بودند، بیش از سایر نقاط در کانون توجه مسلمانان قرار گرفتند. مسلمانان توانستند در کمتر از بیست سال، بخش وسیعی از ایران زمین را زیر سیطره اسلام در بیاورند. آنچه در این میان اهمیت دارد، خوش‌آمدگویی و استقبال ایرانیان از دین اسلام است. وقتی اسلام وارد ایران شد، بسیاری از ایرانیان مسلمان شدند و تا آنجا به این شریعت مقدس وفادار ماندند که امروزه اسلام مذهب رسمی کشور ایران است.

در اینجا پرسش‌هایی به ذهن خطور می‌کند؛ مانند اینکه مسلمانان چگونه وارد ایران شدند و آن را تصرف کردند؟ با توجه به اینکه دین زرتشتی هم مانند اسلام دین یکتاپرستی است، چرا ایرانیان به آیین باستانی خویش پشت کردند؟

ایرانیان مقیم یمن و بحرین - که در عصر ساسانیان جزئی از حوزه امپراتوری ایران بودند - نخستین گروه از ایرانیان هستند که در زمان حیات پیغمبر اکرم (ص)، در اثر تبلیغات اسلامی و آشنایی با مبانی ارزشمند آیین اسلام، به این دین گرویدند. رسول خدا (ص) با ارسال نامه به اهالی هجر (بحرین)، اسلام را بر ایشان عرضه کرد و از آنان خواست در صورت خودداری از پذیرش اسلام، جزیه بدهند. پیامبر برای اهالی بحرین

احکام و شرایطی نیز مقرر کرد؛ مانند اینکه فرزندان خود را به آیین زردتشت درنیاورند؛ اموال آنها برای خودشان باقی خواهد ماند، به جز اموال آتشکده‌ها که برای خدا و رسول خداست؛ برای مسلمانان خوردن ذبیحه زردتشتیان روا نیست و نکاح با زن زردتشتی جایز نمی‌باشد.

حکومت یمن به هنگام دعوت رسول‌الله (ص) در دست باذان بن ساسان ایرانی بود. باذان از جانب خسرو پرویز بر یمن حکمرانی داشت. وقتی حضرت رسول اکرم (ص) در سال ششم هجری خسرو پرویز را به دین مقدس اسلام دعوت کرد، وی از این موضوع سخت ناراحت شد و نامه را پاره کرد و به باذان (عامل خود در یمن) نوشت که نویسنده نامه را نزد وی اعزام کند. باذان نیز دو نفر به مدینه فرستاد تا پیام خسرو پرویز را به پیامبر (ص) برسانند. لیکن وقتی نمایندگان در شهر مدینه بودند، رسول‌الله (ص) - از جانب غیب - خبر قتل خسرو پرویز و به قدرت رسیدن شیرویه پسرش را به نمایندگان ایران داد و به آنها گفت: مملکت شما به‌زودی به تصرف مسلمین در خواهد آمد. شما به یمن باز گردید و به باذان بگویید اسلام اختیار کند. وقتی صحت قضیه بر باذان مشخص شد، وی مسلمان شد و سپس گروهی از ایرانیان که آنها را «ابناء احرار» (آزادشدگان) می‌گفتند، طریق مسلمانی پیش گرفتند. اینان، نخستین ایرانیانی هستند که وارد شریعت مقدس اسلام شدند.

افتاد که در میان آن، درفش کاویان نیز بود.

با پیروزی مسلمانان در نبرد قادسیه (سال ۱۴ هـ. ق)، علاوه بر سقوط پایتخت - به‌ظاهر تسخیرناپذیر - شاهنشاهی ساسانی، شهرها و مناطق مرزی ایران یکی پس از دیگری در مدت کوتاهی به تسخیر لشکریان اسلام درآمد. مسلمانان، به دنبال سپاه ایران خود را به مدائن رساندند و مدتی طولانی این منطقه را در محاصره خویش گرفتند. تلاش‌های یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی، سودی نداشت. مردم نیز، که از اوضاع سخت و نابسامان محاصره به‌تنگ آمده بودند، به مصالحه با لشکر اسلام تن دادند. در نتیجه، تیسفون پایتخت زمستانی ساسانیان سقوط کرد و با این واقعه، صدای انقراض امپراتوری ساسانی در سراسر ایران طنین‌انداز شد.

پس از پیروزی درخشان نیروهای اسلام در قادسیه، دولت ساسانی در جبهه‌های جلولا (روستایی نزدیک بغداد فعلی) و نهاوند مقاومتی از خود نشان داد، اما این مقاومت از سوی بخش اشرافی و فرادست نظام ساسانی بود که در واقع برای منافع خویش

می‌جنگیدند نه بقای ملک. با پیروزی مسلمانان در جلولای، تمامی مناطق اطراف دجله تحت سیطره سپاه اسلام درآمد و مسلمانان به مناطق داخلی ایران گام نهادند. اولین منطقه‌ای که اعراب در داخل خاک ایران فتح کردند، «سوق‌الاهواز» بود. هرمزان، مرزبان خوزستان، پس از آنکه به تحریک یزدگرد، عهدنامه صلح مسلمانان و پیروز (دهقان اهواز) را نقض کرد، با آنان به جنگ پرداخت؛ لیکن شکست خورد و ایرانیان مجبور شدند تحت شرایط معاهده قبلی، دوباره با ابوموسی اشعری فرمانده مسلمانان صلح کنند. یزدگرد گمان می‌کرد مسلمانان به دشت‌های منطقه خوزستان قناعت خواهند کرد، ولی با پیشروی اعراب، با نامه و پیام از سردارانش درخواست کرد تا او را برای نبرد نهایی یاری کنند. سرداران بزرگ ایران، به دعوت پادشاه پاسخ مثبت دادند و از هر گوشه ایران، سپاهی گرد آمد و در نزدیکی همدان (نهایند) اردو زد.

نهایند، محل آخرین نبرد اساسی میان دو سپاه ایران و اسلام و آخرین مقاومت منظم ایرانیان در برابر مسلمانان بود (در سال ۱۹ و به روایتی اواخر سال ۲۰ ه.ق). ایرانیان، با وجود آنکه نیروی فراوانی برای مقابله گرد آورده بودند، شکست هولناکی از سپاه اسلام متحمل شدند. مسلمانان، پیروزی خود بر ایرانیان را در این نبرد «فتح‌الفتح» خواندند؛ زیرا پس از این پیروزی، شاکله امپراتوری ساسانی و قدرت مرکزی ایران به طور کامل تباہ گشت؛ بقایای توان سیاسی و نظامی ایرانیان در هم شکسته شد و دیگر سپاه و نیروی منسجمی برای مقاومت یکپارچه در برابر مسلمانان باقی نماند.

به گفته مورخان، مقاومت برجسته و قابل ملاحظه دیگری در مسیر فتوحات مسلمین پدید نیامد؛ مردم شهرها یا در مقابل فاتحان مقاومت نمی‌کردند و یا با اندکی مقاومت، تسلیم شده و میان اسلام آوردن و پرداخت جزیه مختار بودند. در نتیجه، دیگر نبرد منظمی میان ارتش ساسانی و سپاه مسلمانان رخ نداد.

با فتح نهایند و همدان توسط مسلمانان (۲۱ ه.ق)، شرایط مناسب برای تسخیر تمام ایران فراهم شد و نقاط مختلف یکی پس از دیگری به تصرف سپاه اسلام درآمد؛ به گونه‌ای که تا سال ۳۱ هجری، مسلمانان تا سواحل آمودریا (شرقی‌ترین مرز ایران) پیش رفتند. پیشروی لشکریان اسلام در مناطق مرکزی، سرعت چشمگیری داشت و در کمتر از یک دهه، تمام سرزمین ایران - به جز طبرستان، دیلمان و برخی نواحی مرزی - تحت سیطره سیاسی مسلمانان درآمد. در برخی شهرها مانند فارس و آذربایجان، که از دیرباز مراکز دینی ساسانیان بودند، مقاومتی در برابر مسلمانان شکل گرفت؛ اما گشایش بسیاری از شهرها به واسطه عقد قرارداد صلح بوده است.

پس از این مرحله، نوبت عقب راندن بقایای نظام ساسانی، و آخرین شاه آن از نهند تا مرو و سلطه بر قدرت تقریباً دست نخورده ساسانی توسط مسلمانان شد. مسلمانان در فتح نواحی شرق ایران نیز با مقاومت جدی نیروهای محلی، به ویژه دهقانان مواجه نگشتند، بلکه از همکاری و کمک‌های آنها نیز بهره‌مند شدند. یزدگرد سوم که پس از سقوط تیسفون به همراه نزدیکانش آواره و گریزان گشته بود، تا واپسین روزهای عمرش درصدد بازپس‌گیری تاج و تخت بود. وی در مدت ده سال سرگردانی، هر از چند گاهی سپاهی در مقابل مسلمانان مجهز می‌ساخت، ولی هیچ‌یک از این تلاش‌ها به نتیجه نرسید.

با عقب‌نشینی یزدگرد سوم به مناطق شرقی، مسلمانان با تعقیب وی، وارد بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ایالت شرقی ایران، یعنی خراسان شدند و شهرهای آن را یکی پس از دیگری فتح کردند. یزدگرد که در این زمان از شهری به شهر دیگر گریزان بود و از شاهنشاهی عنوانی بیش نداشت، سرانجام در سال ۳۱ هجری (۶۵۱ م) به علت خیانت حاکم شهر مرو، در یکی از دهکده‌های شهر به گونه‌ای خفت‌بار توسط آسیابانی به قتل رسید و با مرگ وی، موجودیت سیاسی ساسانیان خاتمه یافت. (<http://ensani.ir/fa/article>)

## ۷. تأثیر اسلام بر معماری ایران

معماری اسلامی برگرفته از زبان قرآن است و عمق و غنای تمدن اسلام را با بهره‌گیری از روح معنویت نشان می‌دهد. هنر پیش از زبان و ادبیات در زندگی انسان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط او به شمار می‌رفت. تصاویر ترسیم شده بر دیواره غارها حاکی از تماسهای بصری و تصویری ساکنان آن بوده و از قدیم بیان تصویری وسیله‌ای برای اظهارات شخص و امکان ارتباط با یکدیگر بوده است.

در ایران پس از ورود اسلام و ساخت مساجد در شهرها، رفته رفته این اماکن نقش اصلی خود را بازیافته و به محلات و شهرها هویت بخشیدند. به طوری که کمتر محله‌ای در شهرها یافت می‌شد که فاقد مسجد بوده و یا مرکز محله‌ای بوده که مسجد جزو ارکان و عناصر اصلی آن و محلی برای تعاملات اجتماعی و انجام فرایض دینی مردم نباشد. (ولزیچر، کریستین، ۱۹۷۰- ترجمه: زندیه، مهدی، ۱۳۹۶)

پس از ورود اسلام به ایران، فرم معماری ابنیه و ساختمانها به ویژه اماکن مذهبی متأثر از ایده‌ها و آموزه‌های اسلامی بوده و تغییرات صورت پذیرفته در آن حاکی از اثرات دین و اعتقادات اسلامی و بخصوص شیعه بوده است. اگرچه جلوه‌های تزئینی محراب، بازتابی از حقیقت آسمانی و هویت روحانی آن است و تزئینات انجام شده در عناصر

شاخص بنا به اهمیت و اعتبار این ابنیه و احترام به کاربری آن حکم می‌کند. برای مثال مقرنس، برجسته‌ترین تزئین محراب و در عین حال زیباترین، رازآمیزترین و پرشکوه‌ترین جنبه‌ی آن است و یا قوس در معماری بناهای اسلامی، اصل لایتجزای معماری بخصوص برای مساجد است. از طرفی سردر مسجد، ایوان‌های داخلی، گنبد محراب، شبستان‌ها و دیگر اجزا، بنا به کارکرد معنوی‌شان، دارای معماری مبتنی بر قوس اند. که به نوعی تاکید بر تجلی ویژگیهای روحانی آن بنا و معرفی عنصری برای ارتباط فیزیکی و کالبدی ساختمان با روابط معنوی انسان بسوی کمال است.

با ورود اسلام به ایران، هنر و معماری، دچار تغییر شاخصی گردید و مفاهیم اسلام به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به آن شد. این تأثیرگذاری تا حدی عمیق بوده است که باعث ایجاد سبک و هنری جدید با نام هنر اسلامی گردید. با ورود و گسترش مذهب شیعه نیز، ارتباط بین دین و هنر قوت گرفت. هرچند هنر شیعی را در بیشتر موارد می‌توان همان هنر اسلامی دانست چراکه تفاوت بارزی میان این دو هنر دیده نمی‌شود. (کوثری، ۱۳۹۰، ص ۹)

مهم‌ترین اختلاف میان هنر اسلامی و هنر شیعی، اشاره به مسائلی چون امامت، که خاص این مذهب است، در هنر و معماری می‌باشد. محدود شدن ساخت آرامگاه‌ها برای بزرگان سیاسی و تمرکز بر ساخت آنان بر مدفن ائمه نیز نمود و انعکاس باورهای پیروان تشیع است. در زمان صفویه که با رسمی شدن مذهب شیعه همراه است، ارتباط بین هنر و معماری با قوانین دینی به خوبی پایه‌گذاری شد و تمامی مصنوعات هنری و معماری بازگوکننده عناصر شیعی بودند که از ویژگی‌های هنر این عصر به شمار می‌رود. (زندیه، مهدی، ۱۳۸۲)



تصویر شماره ۹: مسجد شیخ لطف الله، اصفهان



تصویر شماره ۱۰: مسجد گوهرشاد و بارگاه امام هشتم (ع)

## ۸. نتیجه‌گیری

مطالب آمده در قسمتهای مختلف بالا بیانگر آن است که زندگی انسان توأم با ارتباط روحانی و معنوی همراه بوده است و از ابتدایی‌ترین شکل زندگی در غارها و اماکن اولیه این رابطه هویدا است. از طرفی ساخت مکان زندگی و فضای اسکانش همراه با باورها و اعتقادات مذهبی بوده است، بطوری که اسناد و مدارک و آثار به جای مانده از اماکن مختلف و تصاویر موجود از غارهای اولیه نیز حکایت از همین رابطه معنوی و روحانی انسان با خدایانش دارد. رفته رفته با شکل‌گیری هسته‌های اولیه زندگی و شکل‌گیری روستاها و شهرها این رابطه و اعتقاد قوت گرفته و عوامل مؤثر آن در زندگی انسان و شکل‌دهی معماری فضاها جای خود را باز کرده است. بطوری که با بررسی ادیان مختلف و اعتقادات گوناگون در سرزمینها و شهرهای مختلف، اثر دین و باورهای اعتقادی بشر در معماری مکان و فضای زندگی ایشان تأثیر گذار بوده است. اگرچه عوامل محیطی، فرهنگ و سنتها در کنار اقلیم منطقه ای نیز بر این شکل‌گیری بی تأثیر نبوده است، اما با نگاهی به معماری ساختمانهای مختلف در کشورها و به ویژه ابنیه و اماکن مذهبی به خوبی این تأثیرگذاری مشاهده می‌شود. شکل و فرم اماکنی همچون کلیساها، کنیسه‌ها، معابد بودایی، معابد زرتشتی و مساجد مختلف حکایت از تأثیرپذیری این بناها از اعتقادات و ادیان مختلف در سرزمینهای گوناگون دارد. در نهایت این نتیجه حاصل خواهد شد که دین و اعتقادات مردمی رابطه مستقیم در شکل‌گیری معماری و شکل و فرم ساختمانها در کشورها و ادیان مختلف دارد و

هرچه این فضا روحانی و مذهبی تر باشد این ارتباط کاملتر و پررنگتر است و گرنه بسیاری از اماکن مهم غیر مذهبی نیز از این تأثیرپذیری بی بهره نبوده اند. در پایان جمع بندی و نتیجه حاصل شده از این مقاله را می توان در آیت‌های آمده در ذیل خلاصه کرد:

- از دیرباز و زمانهای بسیار دور اعتقادات و سنتهای بشر بر نوع و فرم مکان زندگی ایشان (معماری) تأثیرگذار بوده است.
- با رشد جمعیت و به وجود آمدن شهرها، شکل گیری معماری هر شهر متأثر از فرهنگ، سنت، اعتقادات دینی و اقلیم منطقه بوده است.
- ادیان مختلف نیز هر کدام بنا به مقتضیات، شرایط و قوانین خود بر شکل گیری و فرم و کانسپت اماکن تأثیر گذار بوده اند چنانچه معماری هخامنشی و دین زرتشت تلفیقی از ابهت و عظمت را به همراه احترام به دین زرتشت به همراه داشته است.
- همچنین ادیان بودا، یهودیت و مسیحیت نیز با توجه به ویژگیها و مختصات خود بر شکل و فرم ابنیه و ساختمانها و به ویژه اماکن مذهبی تأثیرگذار بوده اند.
- اسلام نیز با انگیزه ها، سنتها و قوانین و قواعدش در شکل گیری معماری بناها تأثیر به سزایی داشته و پس از ورود به هر سرزمین شکل و فرم ابنیه نیز با ایده ها و مختصات آن تغییر یافته است.
- در مجموع اسناد و مدارک موجود حاکی از تأثیر ادیان مختلف در سیر تاریخی تغییرات معماری در هر منطقه در اعصار مختلف بوده است.

### کتابنامه

- باور، سیروس، (۱۳۵۳) "تاریخ معماری مدرن"، مؤلف بنه وولو، لئونارد (۱۹۲۳ م)، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- برازنده حسینی، مهتاب، (۱۳۸۸)، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، به راهنمایی دکتر ابوالقاسم دادور و مشاوره خانم دکتر فاطمه کاتب، دانشگاه الزهراء، تهران
- زندیه، مهدی، صادقی، پریسا و ابوالقاسم مقدم، مارال، (۱۳۹۶)، "معماری اروپایی-اسلامی مساجد جدید در غرب"، تألیف: ولزبیچر، کریستین، (۱۹۷۰ م)، ترجمه انتشارات دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین



### تأثیر دین بر گسترش معماری در ایران و جهان ۲۰۳

زندیه، مهدی، ۱۳۸۲، تغییر و تحولات معماری منظر شهری (رساله دکتری)، دانشگاه UCE، انگلستان  
السعید، عصام، پرمان، آسیه، (۱۳۶۳)، مفاهیم هندسی در هنر اسلامی، فصلنامه هنر، سال سوم، شماره  
ششم، صص ۱۹۳-۱۹۱

شهیدانی، شهاب، (۱۳۹۲)، «شکوه قلم ثلث در کتیبه‌های مذهبی امامزاده جعفر»، پایگاه راسخون، بی‌شا  
عناصری، جابر، (۱۳۸۳)، تأثیر تشیع بر ابنیه، اماکن و زیارتگاه‌های مذهبی، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال  
دوم، شماره هفت، صص ۱۳۸-۱۳۰

کوثری، مسعود، (۱۳۹۰)، هنر شیعه در ایران، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، سال سوم، شماره یک  
گیرشمن، رومن - ترجمه معین، محمد، ۱۳۹۰، ص ۳۰۳، ایران از آغاز تا اسلام، مؤسسه انتشارات  
آگاه، تهران.

نقی زاده، محمد، (۱۳۸۸)، مجله هنر دینی، تهران

پورتال جامع علوم انسانی، به آدرس: <http://ensani.ir/fa/article>